

# نگاه تخصصی؛ رفتار حرفه‌ای!

گفت‌وگو با محمد اسماعیل براری، گزارشگر پیشکسوت رادیو

❖ گفت‌وگو از: مراد مهدی‌نیا

## اشاره

گزارش رادیویی، تلاش و کوشش گزارشگر در بیان اندیشه و موضوعی است که با درخواست مخاطبان مواجه شده و در دایره نیازهای آنها قرار گرفته است. گزارشگر با حضور بی‌واسطه در محل حادثه و رخداد و ایده‌یابی، بسط، گسترش و همچنین پردازش آن به صورت رادیویی، به درخواست‌ها و نیازهای مخاطبان هدف خود پاسخ می‌گوید و با بیانی توصیف‌گونه، آنها را متوجه اهمیت موضوع و چرایی و چگونگی رخداد آن می‌سازد تا پیکری به نام «گزارش» در برابر جامعه و مخاطبان قرار گیرد. تجربه حضور و فعالیت چندین ساله من در چنین عرصه‌ای جذاب و خطیر، نشان‌دهنده آن است که به هر اندازه که گزارشگران بتوانند با الزامات و ضرورت‌های حضور و فعالیت در عرصه گزارشگری آشنا و به آن مسلط باشند، به همان میزان می‌توانند در ایجاد جایگاه و نقش در خور برای ایستگاه رادیویی و سازمان رسانه‌ای خود، تأثیرگذارتر و کامیاب‌تر باشند؛ وابسته به آنکه ایجاد انگیزه، بسط نگاه تخصصی و تعمیق رفتار حرفه‌ای از سوی سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و در کوتاه سخن، مدیران ارشد در دستور کار قرار گیرد تا روحیه پرطراوت و شاداب جوانی بر روند برنامه‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در رویارویی با تحولات و تغییرات پُرشتاب پیرامونی، حاکم شود و رسانه‌ای چون رادیو را همچنان انعطاف‌پذیر و در لحظه در اطلاع‌رسانی پیوسته و مؤثر قرار دهد.



## ● در آغاز گفت‌وگو مناسب است که برای آشنایی هر چه بهتر خوانندگان، مختصری از خود و فعالیت‌هایتان در رادیو بگویید.

■ من محمداسماعیل براری هستم، متولد سال ۱۳۳۳. در اسفندماه ۱۳۵۸ برای نویسندگی برنامه‌های کودک وارد رادیو شدم و در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی برای گرفتن گزارش به جبهه اعزام شدم. اولین گزارشم، گفت‌وگو با یک کودک جنگ‌زده قصرشیرینی بود.

مدتی در گروه کودک رادیو اشتغال داشتم و سپس در گروه برنامه‌ساز «آینده‌سازان» فعالیت کردم که این گروه بعدها، «گروه جوان» نامیده شد و مدت‌ها بعد، از بطن آن، **رادیو جوان** پدید آمد.

از هشت سال دفاع مقدس، تقریباً شش سال را به صورت پراکنده برای گزارشگری به جبهه رفتم. این حضور به آن دلیل بود که وجود گزارشگر در جبهه تأثیرگذار بود؛ به‌ویژه آنکه در آن برهه از زمان، تنها یک ایستگاه رادیویی سراسری فعالیت می‌کرد. رادیو به دلیل سهل‌الوصول بودن، تنها رسانه‌ای بود که در خدمت جبهه و جنگ بود.

به‌جز مواردی که ذکر شد، فعالیت‌های دیگری هم در رادیو داشتم؛ در طول چند سالی که در گروه گزارش رادیو بودم، در انتخاب و گزینش گزارشگران برای رادیو دخیل بودم. بعدها مدیر گروه گزارشی **رادیو تهران** شدم و اواخر خدمتم در استان یزد، سمت معاونت صدای مرکز را عهده‌دار بودم که بازنشسته همانجا هستم. پس از بازنشستگی، دبیر کمیته گزارشگران معاونت صدا شدم که بهترین کارم به همراه تعدادی از همکاران تنظیم و نگارش «طرح نظام جامع آموزش گزارشگری رادیویی» برای امور آموزش معاونت صدا بود. البته خاطر نشان کنم که این مهم محصول ۲۵ ماه نشست تخصصی (حداقل هر ماه ۲ تا ۳ جلسه) صاحب‌نظران و متخصصان دست‌اندر کار است.

در طول کار در حرفه گزارشگری، همه‌نوع گزارشی گرفته‌ام و در عین حال به جنبه تحقیقی کار هم توجه داشته‌ام. همین امر باعث شد که به بسیاری از استان‌ها سفر و در زمینه‌های مختلف کار کنم. بیشترین فعالیت‌م - که مایه افتخار بنده است - مربوط به دوران دفاع مقدس است. زمینه کاری من در همه جهات؛ اعم از مسائل سیاسی،

آموزشی، بازسازی، خانواده شهیدا و جانبازان، مسائل فرهنگی خانواده‌ها، ورود آزادگان و... بوده است. بد نیست در اینجا اشاره کنم که من تنها کسی هستم که به‌عنوان گزارشگر رادیو، با آن شرایط ویژه، به منظره عراق رفتم و از چهارمین گروه آزادگان گزارش گرفتم. البته از اولین گروه آزادگان در قصرشیرین هم گزارش گرفته بودم.

## ● اشاره کردید که بخشی قابل اعتنا از پیشینه کار گزارشگری شما به دوران دفاع مقدس اختصاص دارد. از دیگر سال‌های فعالیت در مجموعه صدای جمهوری اسلامی بگویید.

■ بعد از جنگ، بحث بازسازی و نوع معیشت مردم مطرح بود و آنچه مربوط می‌شد به وضعیت آزادگان، جانبازان و خانواده‌های ایشان. این موارد از جمله دغدغه‌های جدی خودم بودم.

به‌جز اینها برای برنامه با حافظان سنگر مساجد گزارش گرفتم. در کل برای همه گروه‌ها اعم از سیاسی و جهادی کار کردم. حتی برای ارتش، که استودیوی مجزایی داشت، گزارش می‌گرفتم. بنابراین، من بیش از دیگر گزارشگران رادیو، در حجم وسیعی با ارتش کار کردم.

درضمن، اگر به مسئله‌ای برمی‌خوردم که فکر می‌کردم به کار برنامه مثلاً آینده‌سازان - که مخصوص نوجوانان بود - می‌آید، در جبهه گزارش می‌گرفتم یا مثلاً در هزار قله مریوان با شخصی به نام آقای محمودی آشنا شدم که راننده آمبولانس بود. او مجروحی را به دره دزلی آورد و من دیدم ایشان امدادگر هم هست. بعد از رسیدن به دره از ایشان پرسیدم خانواده شما چه می‌کنند؟ گفت: دارای تشکیلاتی در اسلامشهر هستند که برای کمک به جبهه‌ها فعالیت می‌کنند. من از خطوط درگیری در مریوان به سوژه‌ای دست یافتم و آن را به پشت جبهه آوردم و رفتم از خانواده آقای محمودی و افرادی که در آن مؤسسه کار می‌کردند، گزارشی گرفتم.

بگذریم؛ حدود شش برنامه با حال و هوای جنگ داشتم که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: **در جبهه چه می‌گذرد، پیام جبهه، سنگر سازان بی‌سنگر و پلیس انقلاب**. بنابراین، با همه گروه‌ها کار کردم، اما بیشترین کار من در گزارش در خصوص جبهه و جنگ بود.

## ● شما با چنین پیشینه‌ای از حضور

## و فعالیت در عرصه گزارشگری، چه تعریفی از مفهوم گزارش رادیویی در اندیشه و ذهن دارید؟

■ گزارش رادیویی عبارت است از هر فکر یا موضوعی که مورد درخواست و نیاز یا توجه مخاطبان باشد و گزارشگر آن را در استودیو یا محل رویداد برای پخش از رادیو تهیه کند.

البته گزارش رادیویی با گزارش خبری صرف متفاوت است. جنس کار خبر گستره دارد؛ یعنی ممکن است نو و برای اولین بار باشد، اما گزارش لزوماً نباید دارای خبر باشد. حتی می‌تواند پیرو خبر باشد. بنابراین، خبر از لحاظ ماهیت می‌تواند مانند گزارش باشد، اما از لحاظ شکلی متفاوت است. برای اینکه ما در گزارش خبری دارای محدودیت هستیم و در محدودیت زمان لازم است بیشترین بار خبری را بیاوریم.

## ● شما تا چه اندازه به درستی این گزاره معتقد هستید که به‌روز بودن گزارش در حیات مفید آن گزارش تأثیر بسیار دارد؟

■ عرض کردم که گزارش نباید لزوماً جنبه خبری داشته باشد. شما می‌گویید مثلاً نماز جمعه همیشه هست. شما چیز نویی به جامعه نمی‌دهید. ممکن است شما از پدیده نویی گزارش بگیرید، حتی زودتر از خبر. این مورد استثناست و جزو وظایف گزارشگر نیست، اما خبرنگار این وظیفه را دارد که خبر نو تهیه کند.

به‌روز بودن یعنی استفاده کردن از ابزار روز و مسلط بودن به ابزار. بنابراین استفاده از ابزار روز می‌تواند مطرح باشد.

## ● به‌نظر شما تکرار یک گزارش تا چند بار پیاپی جایز است؟ آیا دستورالعملی خاص در این باره وجود دارد؟

■ گزارش بسته به جذاب بودن موضوع گزارش و پاسخگویی به نیاز شنونده، قابل پخش مجدد است. بعضی مواقع نیاز است که یک گزارش به کرات پخش شود تا اثربخش باشد. مثلاً عبور از خط عابر پیاده هنگام قرمز بودن چراغ راهنما ممنوع است. این را باید بارها تکرار کنید تا تأثیرش را بگذارد. قانون یا عرف بخصوصی ندارد که چندبار (یک، دو یا پنج بار) پخش شود.

گاهی یک گزارش بنا بر ضرورت، با اینکه مخاطب علاقه فراوانی به شنیدن آن گزارش از خود نشان می‌دهد، نباید پخش شود. بنابراین

یک گزارشگر باید تمهیدات لازم برای رویارویی با افراد مختلف از هر حیث را بیندیشد. در این رابطه، شکل ظاهری، بار کلامی و ارتباط اولیه بسیار مهم است. بنابراین، درک و دریافت مردم‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه برای یک گزارش ضروری است.

تنوع در گزارش به اندازه همه زمان‌ها، مکان‌ها، رنگ‌ها، احساسات و عواطف وجود دارد، اما این زاویه دید گزارشگر است که می‌تواند زیباترین صحنه‌ها را شکار کند. از یک سوژه، آدم‌های مختلف می‌توانند نگاه‌های متفاوت ارائه دهند.



براساس اقتضای زمان، مکان، موقعیت و ضرورت‌های جامعه می‌توانیم از یک گزارش، چندین بار استفاده کنیم یا حتی گزارش را با اینکه خواهان زیادی دارد، فقط یک بار پخش کنیم و پخش مجدد آن را به زمان دیگری موکول کنیم.

● **آیا شما معتقد به آن هستید که یک گزارش خوب باید دارای مقدمه یا حتی لید، بدنه و پایانی قوی و مناسب باشد؟**

■ خیر. اینکه به گزارشگر بگوییم حتماً با مقدمه آغاز کند و سپس با توصیف فضا، مکان و موقعیت ادامه دهد، اصلاً قابل قبول نیست؛ برای اینکه گزارش مقوله‌ای دراماتیک است که اصول مخصوص به خود را دارد. ممکن است در یک گزارش نه بسم‌الله بگوییم، نه آغازگر باشیم و نه مثل عرف و حالت کلاسیک، یک شروع تکراری داشته باشیم. ببینید، در اصول دراماتیک مقوله‌ای داریم به نام «تعلیق و گره». ممکن است همه جا با سلام آغاز کنید، اما این بار با افکت و یا حتی از صدای پیش‌زمینه محیط. بنابراین به اندازه همه حالت‌ها و نیازهای انسان‌ها می‌توان گزارش‌های متنوع تهیه کرد.

دقت کنید، چرا ما نمی‌توانیم سبک نویسندگی را کلیشه کنیم و بگوییم همه باید به سبک سعدی حرف بزنند و بنویسند، با اینکه همه واقف هستند که سعدی استاد سخن است؟ پس بحث نوآوری چه می‌شود؟ حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: فرزند زمان خویش‌تن باش. بنابراین اگر قرار باشد ما از ابزار روز استفاده نکنیم و فکر نو نداشته باشیم، چرا باید مثلاً سوار هواپیما بشویم؟!

بنابراین، تنوع در گزارش به اندازه همه زمان‌ها، مکان‌ها، رنگ‌ها، احساسات و عواطف وجود دارد، اما این زاویه دید گزارشگر است که می‌تواند زیباترین صحنه‌ها را شکار کند. از یک سوژه، آدم‌های مختلف می‌توانند نگاه‌های متفاوت ارائه دهند.

● **البته نکات اساسی حرفه گزارشگری، مثل طول و دراز نبودن گزارش، حفظ توازن و تناسب، لحن گفتاری - بسته به موضوع گزارش - و خاتمه هم باید مورد توجه قرار گیرد.**

■ کاملاً درست است. در مورد خاتمه باید بگوییم ما به گزارشگرها یاد ندادیم که با «متشکرم»

هم می‌توانیم خداحافظی کنیم. شما می‌بینید که در طول گزارش بارها می‌گوییم وقت نداریم، اما برای خداحافظی یک دقیقه وقت در نظر می‌گیریم!

ما در گزارشگری بحثی داریم با عنوان «دخاله اصولی گزارشگر». تصور کنید من در حال گفت‌وگو با شما هستم که شما در این ضمن، نام دو یا سه نفر را ذکر می‌کنید. بعد از آن ممکن است از ضمیر استفاده نکنید. گزارشگر در این موقع حق ندارد روند کلام شما را قطع کند، بلکه با زیرکی می‌تواند دخالت کند و بگوید: «منظور شما فلانی است؟» بنابراین لحن نمی‌شکند و آن ارتباط عاطفی که برقرار شد از بین نمی‌رود. دخالت اصولی یعنی اینکه آنقدر با قضیه، قوی برخورد کنیم که وقت نگیریم، ارتباط را نشکنیم و بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم و شنونده را با خود همراه کنیم.

● **دستیابی به چنین مهارت‌هایی نیاز به طی چه مراحل عملی دارد؟**

■ نخست، مرحله آغازین است که گزارشگر از قبل اطلاع دارد که چه گزارشی باید تهیه کند. بنابراین، گزارشگر باید فکر خود را متمرکز کند و اطلاعاتی درباره آن فرد، سوژه، مکان و ... از هر جا به دست بیاورد. به نظر من گزارشگر رادیو حتماً باید نویسندگی و تندنویسی بلدان؛ نه اینکه مدام بنویسد و گزارش را از روی نوشته بگوید. نه. گزارشگر باید فوراً ضبط کند و خوب گوش بدهد و نکته‌ای را که مغفول مانده است، یادداشت کند.

در مرحله بعد باید با در نظر گرفتن بعد زمان و مکان، محاسبه کند که چه وقت حرکت بکند تا به موقع برسد. البته موقع حرکت باید تمام ابزار و وسایل مورد نیاز برای ضبط گزارش را کنترل کند.

یک گزارشگر باید تمهیدات لازم برای رویارویی با افراد مختلف از هر حیث را بیندیشد. در این رابطه، شکل ظاهری، بار کلامی و ارتباط اولیه بسیار مهم است. بنابراین، درک و دریافت مردم‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه برای یک گزارش ضروری است.

● **بسیار اتفاقی می‌افتد که یک گزارشگر در هنگام تهیه گزارش از مسئولی، احساس می‌کند که اشاراتی پشت جملاتش نهفته است. گزارشگر تا کجا**

## می‌تواند به کشف جزئیات و لایه‌های پنهان سخنان پردازد و از آنها در این باره سؤال کند؟

■ قبل از اینکه به این سؤال پاسخ دهم، لازم می‌بینم یکی دو مورد درباره بسته‌گذاری عرض کنم. اول؛ یک بسته‌گذاری باید حتماً رادیویی باشد؛ یعنی فکر نکنیم که با ایما و اشاره ما، مردم متوجه می‌شوند. هر چیزی را که می‌بینیم و می‌شنویم، باید در قالب الفاظ و گفتار به‌شونده انتقال دهیم. دوم؛ یک بسته‌گذاری باید در حداقل زمان، بیشترین اطلاعات را بدهد. خود ما گزارشگران هم باید دارای ویژگی‌هایی باشیم تا بتوانیم از عهده کار برآییم.

قطباً کج‌اندیشی و کج‌فهمی برای یک گزارشگر جایز نیست. قدری رندی لازم است. قدری تجسس به معنی کنج‌کاوی ممدوح نه مذموم نیاز است. اما اگر قرار باشد من با سوءظن خود به جایی برسم که شنونده هم فکر کند که من دارم تفحص می‌کنم و نه اینکه در حال پیگیری صحت یا سقم یک گفته هستم، این امر جایز نیست. پس به شخصیت انسان‌ها احترام بگذاریم، آرامش روحی و روانی مصاحبه‌شونده را از میان نبریم و به او اطمینان بدهیم که همراه او خواهیم بود.

نکته مهم آن است که ما حق نداریم سخن را به‌شونده القا کنیم که خودمان به نوعی آن را دریافتیم، بلکه باید با مهارت، سؤال‌هایی را طرح کنیم که آن شخص با پاسخ‌دادن دریابد که جامعه هم به آن رسیده است. مثالی می‌زنم: اگر احساس کردید که شخص بسیار کوتاه‌پاسخ می‌دهد و خیال‌گتمان‌کردن قضیه را دارد و از طرفی ما کاملاً به این امر آگاهیم، با طرح سؤالات خود باید او را وادار کنیم که به این قضیه بپردازد. لازمه این کار خوب گوش‌دادن است؛ یعنی هنر «خوب شنیدن» در گزارشگر بسیار مؤثر است.

## ● زبان - لحن و گویش - گزارشگران تا چه اندازه در تأثیرگذاری و موفقیت حرفه‌ای آنها اهمیت و ضرورت دارد؟

■ قبلاً اشاره کردم که گزارشگر باید مردم‌شناسی و فولکلور بداند. وقتی یک گزارشگر بخواهد با شخصی ارتباط کلامی داشته باشد، می‌تواند براساس زبان خود با به‌کاربردن یک واژه با او ارتباط برقرار کند. با این کار به او ثابت می‌کنیم

که در کنار - و نه در مقابل - هستیم. آقای عبدالرشیدی وقتی برای جریان بایی‌ساندز به ایرلند می‌رود تا گزارش تهیه کند، برای اینکه به ایرلندی‌ها نشان بدهد که ما با شما هستیم و یا دوست داریم در کنار شما باشیم، فقط یک کلاه ایرلندی بر سرش می‌گذارد. با یک ایمن که آن جمع قبولش دارند، من می‌توانم به آنها نزدیک بشوم و لزوماً نباید شکل ظاهری من کاملاً مثل آنها باشد.

این هنر گزارشگر است که از عناصر همان قوم، قبیله یا شخص استفاده کند و به آنها نزدیک شود. اما در مورد زبان معیار، اینکه ما زبان معیار را در سطحی قبول داریم که با آن بتوان از حد متوسط تا بالاترین سطح علمی جامعه گفت‌وگو کرد.

## ● شما در قسمتی از صحبت خود اشاره کردید که گزارشگر نباید در کار مصاحبه‌شونده خود تجسس کند. پس نیاز مخاطب چه می‌شود؛ چرا که بسیاری از مخاطبان دوست دارند گزارشگر به جزئیات و لایه‌های پنهان پاسخ‌ها هم پردازد؟

■ ما برای خوشایند مخاطبان حق نداریم عزت و کرامت شخصی را خدشه‌دار کنیم. اما همان‌طور که گفتیم گزارشگر با زیرکی می‌تواند مسیر گزارش را با طرح سؤالاتی بجا به سمتی بکشاند که بتواند جواب قانع‌کننده‌ای برای مخاطبان و شنوندگان خود دست و پا کند.

## ● به‌نظر شما به تحقق چه بسترسازی‌هایی نیاز است که بتوان در حوزه گزارشگری به انتقال تجربه پرداخت؟

■ در حوزه‌های عملی و کلاسیک؛ به‌ویژه باید در آموزش‌دادن تلاش کنیم. آموزش باید به صورت آکادمیک باشد، اما در کنار آموزش کار عملی هم باید مدنظر قرار گیرد. یعنی مهارت برای گزارشگری به همان اندازه مهم است که آموزش کلاسیک.

## ● یعنی همان هنر «خوب‌دیدن» و «خوب‌شنیدن» در دوره آموزش هم می‌تواند شکوفا شود.

■ بله، اما بحث مهارت، انجام‌دادن است؛ تنها دیدن و شنیدن نیست.

## ● حال که دامنه سخن به اینجا رسید،

## مناسب است که کمی از تنگناها، مسائل و مشکلات عمده در حرفه گزارشگری بگویید.

■ گزارشگران رادیو دارای مسائل و مشکلات زیادی هستند. کسی نیامده از آنها دفاع بکند. یعنی وقتی فردی در جامعه، خوب معرفی بشود، به صورت طبیعی دارای نفوذ بیشتری خواهد بود. اگر گزارشگر دارای نفوذ اجتماعی باشد، راحت‌تر می‌تواند کار خود را انجام دهد. چون همه او را می‌پذیرند. چطور شخصی که «چهره» [معروف] هست، راحت‌تر پذیرفته می‌شود؟

شما هیچ‌جا از لحاظ حقوق درباره گزارشگران رادیو، قانونی پیدا نمی‌کنید. از لحاظ حقوق، جایگاه گزارشگری تعریف نشده است. در حال حاضر هیچ‌یک از گزارشگران رادیویی مطلع نیستند که از لحاظ حقوق در چه جایگاهی هستند. یعنی تا چه حد می‌توانند پیش بروند که دستگاه قضایی برای آنها مصونیت ایجاد کند! این مسئله بسیار مهم است که امید است با پیگیری مسئولان سازمان حل شود!

## ● و سخن پایانی شما از پس بیش از سه دهه فعالیت در عرصه گزارشگری در رادیو؟

■ اگر این انگیزه در جوانان بیدار نشده که به صورت حرفه‌ای کار یاد بگیرند و صرف اینکه مسلط به برخی ابزار روز هستند و بر همه چیز واقف‌اند، به بیراهه می‌روند. بنابراین، سازمان وظیفه دارد که این انگیزه را در جوانان به وجود بیاورد و درضمن، نظارت بکند تا به درستی انجام شود و تحقق پذیرد.

## ● از اینکه وقت گذاشتید و با حوصله به پرسش‌ها پاسخ دادید، سپاسگزارم.